

تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت

(با تأکید بر مهاجرت نخبگان)

ابوالفضل شاه‌آبادی، * آمنة جامه‌بزرگی **

تاریخ پذیرش ۱۳۹۲/۹/۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۵/۱۶

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر جریان بین‌المللی مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت نخبگان) از کشورهای در حال توسعه منتخب به ایالات متحده آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۹ با رهیافت پانل دیتا می‌باشد. یافته‌های مطالعه حاکی است شاخص آزادی اقتصادی و فقدان آزادی سیاسی و مدنی تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد. همچنین متغیر انباشت مهاجرت نخبگان به‌طور مثبت و معنادار مهاجرت و مهاجرت نخبگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. متغیر نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی بر جریان مهاجرت تأثیر بی‌معنا و بر مهاجرت نخبگان تأثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین شاخص توسعه انسانی نیز بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان تأثیر منفی و معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت نخبگان؛ آزادی اقتصادی؛ آزادی سیاسی؛ توسعه انسانی

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)؛

Email: shahabadia@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان؛

Email: ajamebozorgi@gmail.com

مقدمه

یکی از واقعیت‌های جهان امروزی این است که دانش مهم‌ترین منبع اقتصادی و در واقع بنیادی‌ترین عامل توسعه اقتصادی و استمراربخش آن است. در اقتصاد مبتنی بر دانش، توسعه و رفاه افراد در گرو دانش و سرمایه انسانی آن جامعه می‌باشد. در چنین اقتصادی، درآمد سرانه حاصل محتوای فکر و اندیشه نیروی انسانی آن کشور بوده و فقدان آن بزرگترین سد و مانع رشد و توسعه اقتصادی است (خضری، ۱۳۸۰: ۵۴۹). با این اوصاف اگر بپذیریم، قدرت برتر جهان از آن کسانی است که قدرت علمی و فنی بیشتری دارند و صف‌آرایی و مبارزه قدرت در نظام نوین جهانی نه براساس تعداد و نوع تسلیحات جنگی بلکه برحسب نیروهای متخصص و نخبه علمی تعیین می‌شود، باید این واقعیت را قبول داشته باشیم که با از دست دادن چنین نیروهایی و پیوستن آنان به کشورهای توسعه یافته، در واقع به تضعیف خود کمک کرده و حداقل یک آجر به مصالح بنای قدرت کشورهای توسعه یافته اضافه کرده‌ایم. اصولاً مهاجرت نخبگان، سوای از برنامه ریزی‌های دقیق و حساب شده کشورهای توسعه یافته، مؤید تأثیر مستقیم دانش‌ناپذیری، نبود سازمان‌های برنامه ریز و بی‌توجهی فراوان به امر تحقیق و پژوهش و فقدان ایجاد انگیزه در محققان است (هداوند، ۱۳۸۳).

بنابراین ارزیابی علل مهاجرت نخبگان و تلاش برای ارائه راهکارهایی جهت کاهش مهاجرت این قشر فرهیخته، به منظور دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی مطلوب امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. یکی از موضوعاتی که بر جریان خروج افراد تأثیر قابل توجهی دارد نامشخص بودن حیطه آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌باشد. از جمله عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان بسته بودن اقتصاد و فقدان آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. در یک جامعه با اقتصاد آزاد؛ افراد در کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری کاملاً آزادند و نقش دولت نیز حمایت و محافظت از این آزادی است. آزادی اقتصادی با فراهم کردن امنیت و شرایط سالم و رقابتی فعالیت برای آحاد جامعه، انگیزه فعالیت با بازده بالای اقتصادی را برای نیروی کار نخبه فراهم می‌کند، از این رو انتظار بر آن است که آزادی

اقتصادی تأثیر بسزایی در کاهش انگیزه مهاجرت از کشورهای مهاجر فرست داشته باشد. همچنین آزادی سیاسی و مدنی، یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی، سیاسی و اجتماعی کشور نائل آمده یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز کند. با این اوصاف فقدان آزادی سیاسی در کشورهای در حال توسعه نیز می‌تواند به عنوان عامل دافعه موجب مهاجرت به کشورهای توسعه یافته شود.

باید خاطر نشان ساخت در بررسی علل مهاجرت نخبگان کمتر به عواملی نظیر آزادی اقتصادی و سیاسی - مدنی به عنوان عامل اصلی در وقوع این پدیده توجه شده است. فرضیه‌های تحقیق حاضر عبارت است از: آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی، بیکاری دانش آموختگان با تحصیلات دانشگاهی و شاخص توسعه انسانی از عوامل مؤثر بر مهاجرت به صورت کلی و مهاجرت نخبگان به ایالات متحده آمریکا می‌باشد. همچنین به دلیل محدودیت دسترسی به آمار مهاجرت نخبگان، تعداد محدودی از کشورهای در حال توسعه^۱ که عمده مهاجران در ایالات متحده آمریکا به آنها تعلق دارند، به عنوان منتخب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو در ادامه مقاله، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مدل مربوط ارائه شده و با استفاده از تکنیک‌های متداول اقتصادسنجی به تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج اقدام کرده و در نهایت به تفسیر نتایج، جمع بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

۱. مبانی نظری

در هر مهاجرت یک مبدأ و مقصد و تعدادی عوامل ایجاد کننده وجود دارد. در خصوص عوامل مؤثر بر جریان مهاجرت در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته دافعه و جاذبه تقسیم

۱. ایران، الجزایر، هند، پاکستان، چین، کویت، ترکیه، بنگلادش، آفریقای جنوبی، روسیه، اکوادور، شیلی، بحرین، سوریه، آرژانتین، فیلیپین، کلمبیا، اندونزی، مالزی، تایلند، مراکش و هنگ کنگ.

می‌شود. این عوامل با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تخصصی ارتباط دارند؛ عوامل دافعه موجب خروج از کشورهای در حال توسعه و عوامل جاذبه باعث جذب افراد در کشورهای توسعه یافته می‌شود.

سه دیدگاه عمده در مورد مهاجرت وجود دارد که عبارت است از: کارکردنگری، تضادباوری و نظریه سیستمی. هر یک از این دیدگاه‌ها، مهاجرت را مرتبط با علل، ماهیت، جهت و نتایج خاصی دانسته‌اند. طرفداران نظریه کارکردنگری بر این باورند؛ نوعی عدم امنیت برای شخص باعث می‌شود تصمیم به مهاجرت بگیرد. در باور نظریه پردازان مکتب تضاد، مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه طبقاتی دارد و علت‌های آن از نتایجش جداپذیر نیست. در این دیدگاه، مهاجرت ناشی از توسعه نابرابر در نظام اجتماعی است که مهمترین مظهر آن، توسعه ناموزون سرمایه‌داری است. سرانجام نظریه سیستمی پدیده مهاجرت را در رابطه با عوامل ساختاری و تغییرات ساختاری مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهد. طرفداران این نظریه، مهاجرت را به صورت فرایندی در نظر می‌گیرند که در سطوح مختلف نظام اجتماعی اتفاق می‌افتد (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۳).

همچنین، اورت لی^۱ (۱۹۶۶) از صاحب‌نظرانی است که در مورد مهاجرت به ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته است. لی تلاش کرده است چارچوبی کلی برای تجزیه و تحلیل حجم مهاجرت، توسعه جریان‌ها و ضدجریان‌ها و ویژگی‌های مهاجرین ارائه دهد. به نظر وی، عواملی که در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر است، می‌توان به چهار گروه کلی خلاصه کرد: الف) عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارند، ب) عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند، ج) عوامل شخصی، د) موانع بازدارنده.

یکی از عوامل تعیین‌کننده، مهاجرت آزادی اقتصادی است؛ زیرا توجه به آزادی اقتصادی و کاهش نقش دولت در اقتصاد و همچنین اهمیت آزادی اقتصادی در توسعه اقتصادها از دهه ۱۹۸۰ آغاز می‌شود، به طوری که از دهه ۱۹۸۰ به بعد چرخش به سمت

1. E. Lee

بازار در اکثر کشورها مشاهده می‌شود و دهه ۱۹۹۰ را می‌توان دهه خصوصی‌سازی و گرایش به اقتصاد آزاد نام‌گذاری کرد. در این دهه بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر حسب ضروریات و مقتضیات برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب سعی در استفاده از قوانین بازار نموده و به منظور فائق آمدن بر مشکلات عظیم اقتصادی خود به فکر کاهش دخالت‌های دولت در فعالیت‌های اقتصادی و متعاقباً خصوصی‌سازی مؤسسات تولیدی و تجاری تحت کنترل دولت افتادند. به طوری که امروزه کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد.

آزادی اقتصادی، مشتمل است بر آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانک‌ها، آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی‌شان است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند و به عنوان برنامه قطعی و همیشگی عبارت است از مقاومت در برابر هر نوع مداخله دولت که ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده باشد، به‌ویژه استقامت در برابر سیاست به اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت (سامتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۸).

طبق تحقیقات بسیاری، وجود آزادی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته عامل جذب برای افراد به‌ویژه نخبگان از کشورهایی است که دارای محدودیت‌های بسیاری هستند. طبق نظر کلارک و پیرسون^۱ (۲۰۰۷)، ملکومین^۲ (۲۰۰۴)، آشبی^۳ (۲۰۱۰) و کبول^۴ (۲۰۱۰) محدودیت در آزادی اقتصادی عامل تعیین‌کننده مهمی در مهاجرت افراد می‌باشد. به عبارت دیگر محدودیت در آزادی اقتصادی یک عامل دافعه برای مهاجرت محسوب می‌شود و با افزایش آزادی اقتصادی انگیزه کمی برای خروج از کشور به وجود می‌آید. در خصوص

1. J. Clark and D. Pearson

2. A. Melkumian

3. N. Ashby

4. R. Cebula

منافع ناشی از آزادی اقتصادی چندین مطالعه نظیر نورتون^۱ (۱۹۹۸)، اسپاستو و زالسکی^۲ (۱۹۹۹)، گرابل^۳ (۱۹۹۸)، آشیی (۲۰۱۰) و آدکینز و همکاران^۴ (۲۰۰۲)، صورت گرفته است که همگی بر تأثیر مثبت آزادی اقتصادی بر توسعه و بهبود رفاه نظیر درآمد، افزایش سطح آموزش در سطوح ملی و بین‌المللی، توسعه انسانی، کاهش فقر و رشد اقتصادی بالاتر و در نتیجه مهاجرت نخبگان تأکید دارند.

از دیگر عواملی که بر جریان مهاجرت از کشورهای در حال توسعه تأثیر دارد شرایط سیاسی و مدنی در جامعه است. آزادی‌های سیاسی، مجموعه امتیازهایی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند. این امتیازات به صورت حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت اندیشه‌ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامداران) متظاهر می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

عواملی نظیر؛ عدم ثبات سیاسی، تهدید از سوی حکومت، فقدان آزادی‌های مشروع، احساس ظلم و بی‌عدالتی و عدم رعایت حقوق سیاسی و مدنی در کشورهای در حال توسعه بر خروج افراد از کشور تأثیر بسزایی دارد چراکه افراد ترجیح می‌دهند در جامعه‌ای زندگی کنند که حقوق سیاسی و مدنی آنها رعایت شود. لذا اگر در کشور مبدأ آزادی سیاسی و مدنی در سطح بالایی باشد افراد انگیزه کمتری برای مهاجرت خواهند داشت (کانستنت و تین^۵، ۲۰۰۹). البته باید خاطر نشان ساخت خروج افراد به دلیل عوامل سیاسی «پناهندگی» نام دارد و با مهاجرت تفاوت بسیاری دارد. در پناهندگی عامل دافعه قوی‌تر از عامل جاذبه است در حالی که در مهاجرت عامل جاذبه قوی‌تر می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۶۵۴).

براساس نظر دو کوایر و راپوپورت^۶ (۲۰۰۳) آزادی سیاسی بیشتر برای کشورهایی که

1. S. Norton

2. A. Esposto and P. A. Zaleski

3. H. Grubel

4. L. Adkins and et al.

5. F. Constant and N. Tien

6. F. Docquier and H. Rapoport

محدودیت‌های بسیاری برای خروج افراد فراهم می‌کنند، تأثیر مثبتی بر جریان مهاجرت دارد. به عبارت دیگر با آزادی سیاسی بیشتر، افراد محدودیت کمتری برای مهاجرت خواهند داشته و از این رو جریان مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. به طور کلی تأثیر آزادی سیاسی و مدنی بر جریان مهاجرت مبهم است، چرا که از یک سو عامل دافعه برای خروج افراد محسوب می‌شود و از این رو نبود این عامل تأثیر مثبتی بر جریان مهاجرت دارد و از سوی دیگر با افزایش آزادی سیاسی و مدنی محدودیت خروج از کشور برای افراد کاهش می‌یابد و موجب افزایش جریان مهاجرت می‌شود. از نظر میترا^۱ و همکاران (۲۰۱۱) دلیل این ابهام در این واقعیت نهفته است که شاخص آزادی سیاسی به ساختار اقتصادی و سیاست‌های دولت وابسته است و آزادی سیاسی در کنار بهبود سایر عوامل نهادی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند تا حد زیادی از مهاجرت افراد به ویژه سرمایه انسانی کارآمد و متخصص بکاهد. به طور کلی می‌توان این چنین استدلال کرد آزادی سیاسی بدون وجود آزادی اقتصادی تأثیر مثبتی بر کاهش جریان مهاجرت نخواهد داشت.

در حالی که طبق نظر فریدمن^۲ (۱۹۹۳) آزادی اقتصادی نسبت به آزادی سیاسی از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد: اول اینکه آزادی اقتصادی خودبه خود یک هدف است (نیازی به عامل دیگری برای اثرگذاری ندارد) و دوم اینکه آزادی اقتصادی به نوبه خود منجر به آزادی سیاسی می‌شود (به عبارتی هم هدف است و هم ابزاری برای رسیدن به هدفی دیگر). بنابراین رابطه بین آزادی سیاسی و اقتصادی دوجانبه است. به طوری که در یک جامعه دارای آزادی اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد رقابتی تا حد زیادی از کثرت مسائلی که تکلیف آن باید از طرق سیاسی معلوم شود، کاسته شده و نیاز به مشارکت مستقیم دولت به حداقل می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت آزادی اقتصادی در جامعه به آزادی سیاسی و مدنی و در نهایت کاهش توان چانه‌زنی منجر شده و موجب دستیابی به نتایج کارای اقتصادی و

1. A. Mitra

2. M. Friedman

کاهش هزینه مبادله می شود (سامتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۳).
فرضیات تحقیق حاضر به شرح زیر است:

- **فرضیه اول:** بهبود شاخص آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر منفی و معناداری بر مهاجرت کل افراد و مهاجرت نخبگان دارد.
- **فرضیه دوم:** بهبود شاخص آزادی مدنی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر مثبت و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد.
- **فرضیه سوم:** بهبود شاخص آزادی سیاسی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر مثبت و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعه جامعی در خصوص عوامل تعیین کننده مهاجرت از دیدگاه آزادی اقتصادی و سیاسی انجام نگرفته است. با این تفاسیر برخی از مطالعات انجام شده در خصوص عوامل تعیین کننده مهاجرت و مهاجرت نخبگان عبارتند از:

میترا و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر آزادسازی مالی بر مهاجرت بین المللی نیروی کار ماهر از ۶۷ کشور در حال توسعه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۵ پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد؛ آزادسازی بخش مالی از کنترل دولتی در کشورهای مبدأ تأثیر معناداری بر مهاجرت نیروی کار ماهر ندارد. همچنین متغیر دمکراسی تأثیر معناداری بر مهاجرت نیروی کار ماهر ندارد. کیفیت بوروکراسی و فساد در حکومت نیز تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نیروی کار ماهر دارد.

بنگ و میترا^۱ (۲۰۱۱) به بررسی اثر نهادهای کشور مبدأ بر سطح مهارت مهاجران در آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۱۹۸۸ پرداخته اند. در این مطالعه از ۱۵ متغیر نهادی برای بررسی اثر کیفیت و ثبات نهادها بر سطح مهارت مهاجران و همچنین تعداد مهاجران در

آمریکا استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد از بین ۱۵ متغیر نهادی تنها سه شاخص ثبات سیاسی دولت، شکل سرمایه‌گذاری و کیفیت بوروکراسی (بیانگر شاخص آزادی سیاسی) در کشورهای مبدأ به طور قابل توجهی بر جریان مهاجرت به آمریکا تأثیر دارد و موجب کاهش این جریان در دوره مورد مطالعه شده است. علاوه بر این تأثیر متغیرهایی نظیر حقوق مالکیت و شفافیت به طور معناداری موجب کاهش تعداد کل مهاجران و مهاجران دارای مهارت بالا به آمریکا شده است و متغیر دموکراسی اثر مهمی بر آن ندارد. البته این دو محقق در ادامه بیان می‌کنند تأثیر دموکراسی بر تعداد مهاجران به این دلیل مبهم است که این شاخص تا حد زیادی به ساختار اقتصادی و سیاست‌های دولت وابسته است. به طور مثال دو کشور با فضای دموکراسی یکسان ولی ساختار متفاوت اقتصادی (یکی دارای اقتصاد باز و دیگری دارای اقتصاد بسته) حجم و ترکیب متفاوتی از مهاجرت را تجربه می‌کنند.

کانتست و تین (۲۰۰۹) به بررسی دلایل مهاجرت نخبگان از ۵۳ کشور آفریقایی به اروپا طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۹۰ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در کشورهای آفریقایی ارتباط استعماری پیشین با دولت‌های اروپایی نقش بسزایی در مهاجرت ایفا می‌کند، به طوری که افراد خصوصاً نخبگان تمایل دارند به کشورهایی که قبلاً مستعمره آنها بودند، مهاجرت کنند. همچنین نتایج نشان داد، مردم کشورهایی که دارای آزادی سیاسی و مدنی کمتری هستند، تمایل کمتری برای مهاجرت دارند. این دو محقق علت چنین امری را در این واقعیت می‌دانند که افراد در کشورهایی با حکومت استبدادی به دلیل وجود محدودیت‌های زیاد علی‌رغم تمایل، توانایی خروج از کشور را ندارند. لذا با بهبود آزادی سیاسی مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت.

آشبی (۲۰۰۷) به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر جریان ورود و خروج مهاجران از ۴۸ ایالت در سال ۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد در ایالاتی که از سطوح آزادی اقتصادی بالایی برخوردارند، تعداد مهاجران ورودی نیز بالاتر از سایر ایالات می‌باشد؛

چراکه آزادی اقتصادی از طریق اثر مستقیم بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه موجب افزایش جذابیت برای مهاجران می‌شود. همچنین طبق نتایج این مطالعه افراد به ایالاتی مهاجرت می‌کنند که پرداخت‌های مالیاتی کمتری می‌پردازند و ساختار بازار کار از آزادی بیشتری نسبت به دخالت‌های دولت برخوردار است.

دوکوار و سکات^۱ (۲۰۰۶) به بررسی عوامل تعیین‌کننده مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. آنها اندازه کشور، سطح توسعه و محیط سیاسی-اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت نخبگان می‌دانند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که محیط اجتماعی-سیاسی (نظیر ثبات سیاسی و عدم شورش داخلی، اثربخشی دولت، حقوق مالکیت و تقسیمات مذهبی) اثر مهمی بر متوسط نرخ مهاجرت نخبگان دارد. همچنین بین همکاران (۲۰۰۶) به بررسی عوامل تعیین‌کننده مهاجرت نخبگان از ۱۸۹ کشور در حال توسعه به کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۰ پرداخته‌اند.

در این مطالعه تولید ناخالص داخلی، فاصله یا نزدیکی به این کشورها و رابطه استعماری با آنها، شباهت زبانی، قومیت، فضای سیاسی-اجتماعی و اندازه کشور مبدأ به‌عنوان متغیر توضیحی در نظر گرفته شده است. همچنین از دو سری داده‌های حکمرانی و آزادی سیاسی برای نشان دادن فضای سیاسی-اجتماعی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد فقدان حمایت از حقوق مالکیت و بی‌ثباتی سیاسی از عوامل دافعه در کشورهای در حال توسعه می‌باشند که مهاجرت نخبگان را تشدید می‌کنند. انتظار خیر^۲ (۲۰۰۵) نیز به بررسی تأثیر درآمد ملی واقعی، تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها، تعداد نشریه و روزنامه، تغییر نظام ملی و جنگ در ایران و نرخ بیکاری در کانادا (شرایط بازار کار در کانادا) به‌عنوان عوامل

1. F. Docquier and M. Sekkat

2. M. Entezarkheir

تعیین‌کننده مهاجرت نخبگان از ایران به کانادا طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد شرایط اقتصادی در ایران و شرایط بازار کار در کانادا نقش بسزایی در انگیزه مهاجران ایرانی در مهاجرت به کانادا داشته است. تعداد نشریه و روزنامه‌ها به‌عنوان شاخص بیانگر آزادی‌های مدنی نیز تأثیر بسزایی در مهاجرت نخبگان از ایران داشته است.

هاتن و ویلیامسون^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از آمار مهاجرت از ۱۵۳ کشور در حال توسعه به ۳۰ کشور توسعه‌یافته در سال ۲۰۰۰ به بررسی تأثیر همجواری با کشورهای توسعه‌یافته، سطح بیکاری، فرصت‌های شغلی - اقتصادی و بهبود امکانات اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته، جنگ‌های داخلی، تفاوت دستمزد در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، تقارب زبانی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده مهاجرت نخبگان در کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. براساس نتایج مطالعه، نبود امکانات آموزشی، رفاهی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه باعث مهاجرت بیشتر سرمایه انسانی می‌شود. همچنین کستلز و لوگن^۲ (۲۰۰۲) به بررسی اهداف مهاجرت پناهندگان به کشورهای صنعتی پرداخته‌اند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد اغلب انگیزه مهاجرت افراد، اقتصادی بوده و بیشتر به سمت اروپای غربی می‌باشد. همچنین عواملی از قبیل: وضعیت بد شاخص‌های توسعه انسانی، امید به زندگی پایین، رشد بالای جمعیت، جنگ و سرکوب اقلیت‌ها، تضاد نژادی و نرخ باسوادی بالا در اهداف مهاجران دخیل است.

کارمارا^۳ و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی علل مهاجرت بین‌المللی به ایالات متحده آمریکا و کانادا از ۷۰ کشور طی دوره زمانی ۱۹۸۶-۱۹۷۶ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که محدودیت و فشار سیاسی تأثیر مثبت و معناداری بر جریان مهاجرت بین‌المللی دارد به طوری که با کاهش محدودیت‌های سیاسی میزان مهاجرت نیز کاهش می‌یابد. همچنین عسگری و همکاران (۱۳۸۷) براساس الگوی مبتنی بر عوامل جاذبه و

1. T. Hatton and J. Williamson

2. S. Castels and S. Lougn

3. D. Kamemera

دفاعه به بررسی علل مهاجرت نخبگان از ۳۰ کشور در حال توسعه به ۱۶ کشور اصلی عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۱ پرداخته است.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که مجموعه‌ای از عوامل جاذبه و دفعه همچون تفاوت در اندازه جمعیت، شرایط بازار کار مانند نرخ دستمزد و بیکاری، کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی، یارانه آموزش و مشارکت بخش خصوصی، توضیح دهنده جریان مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد درجه بازبودن به عنوان یک متغیر سیاسی در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین ارتباط مستقیم با مهاجرت نخبگان دارد، به طوری که هر چقدر درجه باز بودن کشورها بیشتر شود مهاجرت نیز تشدید می‌شود؛ در حالی که این متغیر در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالا تأثیر معناداری نداشته است. افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، یارانه آموزش، دستمزد نسبی و کاهش نرخ بیکاری در کشورهای مبدأ به طور معناداری باعث کاهش فرار مغزها از هر دو گروه کشورهای در حال توسعه می‌شود.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته به ایالات متحده آمریکا طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، حمایت از حقوق مالکیت فکری و کنترل فساد دو عامل تعیین کننده مهاجرت نخبگان از هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. همچنین شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر نرخ بیکاری، تفاوت دستمزد، شکاف شاخص رفاهی بین ایران و اروپا، عواملی سیاسی - اجتماعی نظیر جنگ تحمیلی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی و فساد بر مهاجرت نخبگان ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۵۹ می‌پردازند.

نتایج این مطالعه نشان داد، متغیر حقوق سیاسی تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نخبگان در ایران دارد و با مشخص و شفاف شدن حقوق و آزادی‌های سیاسی و ایجاد بستر قانونی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خروج متخصصان از کشور کاهش می‌یابد.

متغیر آزادی‌های مدنی که دربرگیرنده محدودیت‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری و مداخله دولت در تصمیمات و امور، تشکلهای مدنی، مطبوعات، رسانه‌ها، انتشار افکار و عقاید و... می‌باشد، بر مهاجرت نخبگان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۳. روش تحقیق و ارائه مدل

در این قسمت با الهام از مبانی نظری و همچنین پیشینه تحقیق، مدل برآوردی و متغیرهای به‌کار رفته در آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است این پژوهش یک مطالعه بین‌کشوری می‌باشد که با روش پانل دیتا مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مدل لگاریتمی بوده و حرف L قبل از متغیرها گواه این مطلب است. در این روش ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر پولینگک بودن یا پانل دیتا بودن داده‌های آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعد از اینکه از پانل دیتا بودن داده‌های آماری در مدل اطمینان حاصل شد، ثابت یا تصادفی بودن اثر آن با استفاده از آزمون هاسمن^۱ بررسی می‌شود.

شاخص مورد استفاده برای آزادی اقتصادی در این تحقیق، شاخص معرفی شده توسط مؤسسه فریزر^۲ در گزارش آزادی اقتصادی جهان است. شاخص آزادی اقتصادی کل^۳ از پنج زیر شاخص تشکیل شده است که در این مطالعه تأثیر دوزیر شاخص اندازه دولت و ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت بر جریان مهاجرت نیروی کار^۴ و همچنین مهاجرت نخبگان^۵ به صورت مجزا بررسی خواهد شد. در این راستا معادله ۲ و ۳ برآورد می‌شود:

$$EFI = \{SG, LSSPRI\} \quad (1)$$

$$LLM_{it} = \beta_0 + \beta_{1t}LEFI_{it} + \beta_{2t}LPFI_{it} + \beta_{3t}LALM_{it} + \beta_{4t}LURUG_{it} + \beta_{5t}LHDI_{it} + \varepsilon_t \quad (2)$$

1. Hausman

2. Fraser Institute

3. Economic Freedom (EFI)

4. Labor Migration (LM)

5. Brain Drain (BD)

$$LBD_{it} = \beta_0 + \beta_{1t}LEFI_{it} + \beta_{2t}LPFI_{it} + \beta_{3t}LABD_{it} + \beta_{4t}LURHG_{it} + \beta_{5t}LHDI_{it} + \varepsilon_t \quad (۳)$$

در معادله (۲) نسبت تعداد مهاجران به جمعیت در کشورهای مبدأ به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و در معادله (۳) نسبت تعداد مهاجران نخبه به جمعیت نیروی کار فعال در کشورهای مبدأ به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنین آمار مربوط به مهاجرت و مهاجرت نخبگان از سالنامه آماری مهاجرت در آمریکا استخراج شده است. نخبگان در این مطالعه شامل متخصصان، پژوهشگران، نیروی کار ماهر و دارای تخصص ویژه می‌باشند.

الف) شاخص آزادی سیاسی: آزادی سیاسی عبارت است از: حق آزادانه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور. آزادی سیاسی سبب می‌شود مردم بتوانند آزادانه از سیاست‌های دولت انتقاد کنند، انجمن‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی تشکیل دهند یا به آنها بپیوندند. این شاخص بین ۱ (کمترین آزادی) و ۷ (بیشترین آزادی) قرار دارد که مؤسسه آزادی منتشر کرده است.^۱

ب) شاخص آزادی مدنی: آزادی مدنی عبارت است از آزادی توسعه آرا و عقاید، نهادها و استقلال شخصی بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی دولت. در خصوص آزادی‌های مدنی نیز اعداد کمی در فاصله ۱ تا ۷ می‌باشد که عدد ۱ نشان‌دهنده کمترین محدودیت مدنی و عدد ۷ بیشترین سطح کنترل شهروندان و سلب آزادی‌های مردم را به وسیله حکومت نشان می‌دهد. اعداد بیشتر در خصوص این دو متغیر نشان‌دهنده فشار گسترده بر مردم داخل کشور بوده که مؤسسه آزادی منتشر کرده است.

همچنین برای بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر جریان مهاجرت از دو شاخص اندازه دولت و ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت استفاده می‌شود.

ج) شاخص آزادی اقتصادی کل: شاخص آزادی اقتصادی شاخص موزون و مرکب از

1. Political Freedom Index (PFI)

2. www.Freedomhouse.org

3. Index of Civilliberties (CLI)

4. Economic Freedom Index (EFI)

۳۸ متغیر فرعی است. این شاخص‌ها عددی بین صفر و ۱۰ می‌باشند که هر قدر این عدد بزرگتر و به ۱۰ نزدیکتر باشد نشان از وجود آزادی اقتصادی بیشتر در آن کشور است.

(د) شاخص اندازه دولت: این شاخص که خود شامل چهار مؤلفه می‌باشد نشان می‌دهد کشورها در تخصیص منابع، کالاهای و خدمات تا چه اندازه بر مبنای انتخاب فردی و عملکرد بازارها به جای انتخاب از طریق فرایند سیاسی اقدام می‌کنند. لذا کشوری که دارای سهم مخارج دولتی کوچکتر از کل مخارج اقتصاد باشد و میزان مالیات کمتری داشته باشد از آزادی اقتصادی بیشتر هم برخوردار خواهد بود. لازم به ذکر است در این مطالعه از مؤلفه نرخ مالیات بر درآمد و حقوق به دلیل اهمیت بالایی که در قدرت خرید افراد و از این رو بر انگیزه فعالیت نخبگان در جامعه تأثیر بسزایی دارد، استفاده شده است.

(ه) شاخص ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت: این شاخص متشکل از مؤلفه‌های؛ نظام قضایی مستقل و بی‌طرف، مداخله ارتش در حاکمیت قانون و فرایند سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت و یکپارچگی نظام حقوقی است. در این مطالعه از مؤلفه یکپارچگی نظام حقوقی به دلیل اهمیت بالایی که در قانونگذاری و کیفیت قوانین دارد به عنوان شاخص ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت استفاده شده است.

در این مطالعه از سه متغیر کنترلی بسیار مهم استفاده شده است که عبارتند از:

- انباشت مهاجرت^۳ و انباشت مهاجرت نخبگان: انباشت کل مهاجرت طبق فرمول گریلیچ^۵ (۱۹۹۸) محاسبه شده است:

$$ABD_0 = \frac{R_0}{(g + \delta)} \quad (۴)$$

که R_0 , g , δ به ترتیب بیانگر تعداد مهاجرین اولین سالی که موجود است، نرخ

1. Size of Government (SG)

2. Legal Structure and Security of Property Rights Index (LSSPRI)

3. Accumulation of Labor Migration (ALM)

4. Accumulation of Brain Drain (ABD)

5. Z. Griliches

استهلاک و لگاریتم متوسط رشد سالانه تعداد مهاجرین طی دوره‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۶ می‌باشد. انباشت مهاجرین در هر سال برابر است با:

$$ABD_t = (1 - \delta)ABD_{t-1} + R_t \quad (5)$$

نرخ استهلاک مهاجرت را برابر نرخ مرگ‌ومیر جهانی ۲ درصد در نظر گرفته شده است. انباشت مهاجرت نخبگان نیز به شیوه بالا محاسبه می‌شود.

- نرخ بیکاری با مدرک تحصیلی دانشگاهی:^۱ در این مطالعه از آمار نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها (درصد از کل بیکاری) که توسط بانک جهانی منتشر می‌شود، استفاده شده است.

- شاخص توسعه انسانی:^۲ شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است و از چهار شاخص امید به زندگی در هنگام تولد، درآمد سرانه کشور، میانگین تعداد سال‌های تحصیل کشور و امید به تعداد سال‌های تحصیل کشور تشکیل می‌شود. در این مطالعه از آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ استفاده شده است.

۳-۱. تجزیه و تحلیل

نتایج آزمون F لیمر بیانگر این واقعیت است که مدل‌های برآوردی در تمامی حالت دارای اثرات ثابت می‌باشند و نتایج آزمون F لیمر در جدول ۱ بیانگر آن است که داده‌های آماری در هر کدام از مدل‌های موجود با سطح اطمینان بیشتر از ۹۵ درصد به صورت پانل دیتا می‌باشد. همچنین نتایج آزمون هاسمن بیانگر آن است که در تمام مدل‌ها، داده‌های آماری، از اثر ثابت برخوردارند.

1. Unemployment Rate of University Graduates (URUG)

2. Human Development Index (HDI)

جدول ۱. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتایج آزمون F لیمر و هاسمن برای تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر مهاجرت					
مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	
۲۰/۳ [۰/۰۰]	۲۱/۳ [۰/۰۰]	۲۱/۷ [۰/۰۰]	۲۱/۷ [۰/۰۰]	۲۱/۶ [۰/۰۰]	آزمون اثرات ثابت: آماره F [احتمال]
۳۳/۱ [۰/۰۰]	۳۴/۹ [۰/۰۰]	۳۶/۹ [۰/۰۰]	۳۳/۵ [۰/۰۰]	۳۲/۱ [۰/۰۰]	آزمون هاسمن: مجذور مربع [احتمال]
نتایج آزمون F لیمر و هاسمن برای تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر مهاجرت نخبگان					
۱۲۵/۷ [۰/۰۰]	۱۲۰/۱ [۰/۰۰]	۱۳۵/۴ [۰/۰۰]	۱۱۹/۳ [۰/۰۰]	۱۲۸/۵ [۰/۰۰]	آزمون اثرات ثابت: آماره F [احتمال]
۲۱/۸ [۰/۰۰]	۲۶/۲۹ [۰/۰۰]	۲۴/۰۴ [۰/۰۰]	۳۵/۳ [۰/۰۰]	۲۷/۱۱ [۰/۰۰]	آزمون هاسمن: مجذور مربع [احتمال]

مأخذ: محاسبات پژوهش.

در ادامه به بررسی ضرایب تخمینی متغیرها برای کشورهای منتخب در حال توسعه در

جداول ۲ و ۳ می‌پردازیم:

۱. شاخص آزادی اقتصادی کل: در یک جامعه با اقتصاد آزاد؛ افراد در کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری کاملاً آزادند و نقش دولت، حمایت و محافظت از این آزادی است. آزادی اقتصادی از طریق ایجاد رقابت، شفافیت بازار، کاهش مداخلات بی‌جای دولت، ثبات اقتصادی، کاهش فساد و انگیزه برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، فضای مناسبی را برای انجام فعالیت‌های پر بازده اقتصادی توسط سرمایه‌انسانی و افراد نخبه فراهم می‌کند.

از این رو فقدان آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به عنوان عامل دافعه موجب خروج سرمایه انسانی کارآمد و ماهر از کشورهای در حال توسعه می‌شود. طبق جداول ۲ و ۳ آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر منفی و معناداری بر مهاجرت کل افراد و نخبگان دارد. به بیان دیگر نتایج تخمین مؤید

فرضیه اول تحقیق حاضر است.

۲. شاخص اندازه دولت: طبق نتایج جداول ۲ و ۳ مالیات بر درآمد که در این مطالعه به عنوان شاخص اندازه دولت در نظر گرفته شده است، تأثیر منفی و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان در کشورهای مورد مطالعه دارد.

مهمترین تأثیر مالیات بالا بر درآمد کاهش دستمزد و قدرت خرید افراد می باشد. میزان بالای مالیات، آزادی افراد را در استفاده از درآمد حاصل از کارشان کاهش می دهد، لذا باعث کاهش انگیزه برای فعالیت نیروی کار و مهاجرت آنها به کشورهای می شود که مجبور به پرداخت این چنین هزینه هایی نباشند. با این اوصاف نظام مالیاتی در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک عامل محدود کننده آزادی اقتصادی تأثیر بسزایی در انگیزه افراد با حقوق و درآمد ثابت که معمولاً از قشر تحصیل کرده می باشند برای خروج از کشور، دارد.

۳. شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت: مطابق جداول ۲ و ۳ و مطالعات بین و همکاران (۲۰۰۶) و شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، ساختار قانونی حمایت از حقوق مالکیت در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر منفی و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد. به عبارت دیگر هر اندازه نظام حقوقی توانایی بالایی در اجرای قوانین داشته باشد مهاجرت کاهش خواهد یافت. مطابق با نظر لیور و برگ (۲۰۰۸) هر قدر کشورهای مبدأ دارای نظام قضایی قابل پیش بینی و منصف باشند و قانون از اهمیت جایگاه بالایی برخوردار باشد، مهاجرت نیز کاهش خواهد یافت. ناتوانی نظام حقوقی یک کشور جهت تأمین و حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادها و حل و فصل قابل قبول و دوجانبه اختلافات، عملکرد نظام بازار را به مخاطره می اندازد. اگر افراد در محیط کسب و کار اطمینان از اجرای قراردادها و حفاظت از زحمات و کار خود نداشته باشند، انگیزه خود برای شرکت در فعالیت های سودمند را از دست می دهند. علاوه بر این عملکرد ضعیف در این زمینه مطمئناً مانع از سرمایه گذاری می شود. لذا انگیزه برای خروج از کشور

نیز تحت چنین شرایطی افزایش خواهد یافت.

۴. **شاخص آزادی سیاسی:** طبق مبانی نظری و مطالعات آشبی (۲۰۰۷) و کانتست و همکاران (۲۰۰۹)، شاخص آزادی سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد. به طور کلی درباره این شاخص باید اذعان داشت، آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. طبیعی است در چنین شرایطی افراد از حقوق مناسب اجتماعی برخوردار بوده و انگیزه‌ای برای ترک کشور به منظور دستیابی به آزادی‌های سیاسی نخواهند داشت. اما از سویی دیگر نبود آزادی‌های سیاسی و فشار و تنگناهای سیاسی با ایجاد محدودیت، حتی اگر تمایلی برای خروج از کشور داشته باشند توانایی خروج از کشور را نخواهند داشت. از این رو با بهبود اندکی که در این زمینه فراهم می‌شود، افراد از این آزادی استفاده کرده و از کشور خارج می‌شوند.

همچنین باید خاطر نشان کرد ارتقای آزادی سیاسی در کشورهای در حال توسعه با این شاخص در کشورهای توسعه یافته تفاوت بسیار دارد؛ چرا که در کشورهای توسعه یافته تمام شقوق آزادی از جمله آزادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در راستای یکدیگر و به صورت موازی ارتقا و بهبود می‌یابد. در حالی که در کشورهای در حال توسعه این بهبودی به صورت ناموازی و با فدا کردن سایر شقوق ایجاد می‌شود و همین امر باعث تأثیر نامطلوب بهبود آزادی سیاسی بر مهاجرت می‌شود. طبق نتایج جداول ۲ و ۳ عدم آزادی سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت به صورت کلی و مهاجرت نخبگان دارد، به طوری که با بهبود آزادی سیاسی میزان مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر نتایج تخمین مؤید فرضیه دوم تحقیق حاضر است.

۵. **شاخص آزادی مدنی:** محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و نشر

عقاید، فقدان آزادی‌های دمکراتیک، نبود سازمان‌های غیردولتی واقعی بدون دخالت و تصمیم‌گیری دولت برای آنها، فقدان مطبوعات و رسانه‌های جمعی آزاد، عدم تشکل‌های مدنی زنان، جوانان، دانشجویان، اصناف، کارگران، تحصیل کرده‌ها و... عواملی هستند که در یک کشور باعث محدود بودن آزادی‌های مدنی می‌شوند.

طبق مطالعات انتظارخیر (۲۰۰۵)، هاتن و ویلیامسون (۲۰۰۲) ارتقای آزادی‌های مدنی تأثیر منفی و معناداری بر مهاجرت دارد و طبق یافته‌های آشبی (۲۰۰۷) و میترا و همکاران (۲۰۱۱) نبود آزادی‌های مدنی تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت دارد و با بهبود این شاخص مهاجرت افزایش خواهد یافت. طبق نتایج جداول ۲ و ۳ عدم آزادی‌های مدنی تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت و مهاجرت‌نخبگان دارد، علت این امر نیز همان‌طور که قبلاً مطرح شد این است که وجود آزادی مدنی بدون بهبود و توسعه سایر عوامل نهادی تنها باعث کاهش محدودیت برای خروج افراد از کشور می‌شود و از این‌رو تأثیر مثبت بر خروج افراد خواهد داشت. بنابراین منفی بودن علامت این شاخص قابل توجیه است و مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر نتایج تخمین مؤید فرضیه سوم تحقیق حاضر است.

۶. انباشت مهاجرت: نتایج جداول ۲ و ۳ بیانگر اثر قابل توجه این متغیر بر کل مهاجرت و مهاجرت‌نخبگان است؛ چنانچه در کشورهای مورد مطالعه اثر مثبت و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت‌نخبگان دارد (مطابق با مطالعه لیور و دینبرگ، ۲۰۰۸). به عبارتی مهاجران کشورهای مورد مطالعه که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند، تأثیر قابل توجهی در جذب افراد دارند. نکته حائز اهمیت آنکه، ضریب این متغیر نسبت به سایر متغیرهای مورد بررسی بزرگتر است که بیانگر این واقعیت انکارناپذیر است؛ هنوز اقداماتی شایسته و تأثیرگذار در کشورهای در حال توسعه فوق‌الذکر در خصوص کاهش دافعه‌ها و افزایش جذابیت صورت نگرفته است.

۷. نرخ بیکاری با تحصیلات دانشگاهی: براساس نظر بسیاری از محققان داخلی و خارجی

عدم تناسب بین تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی با فرصت‌های شغلی و عدم انطباق تخصص و توان دانش‌آموختگان با نیازهای کشورهای در حال توسعه یکی از دلایل اصلی مهاجرت است؛ چراکه فقدان فرصت‌های شغلی مناسب از یک سو و نیاز مبرم بازار کار ایالات متحده آمریکا به نیروی انسانی متخصص و خبره از سوی دیگر شرایط را برای مهاجرت قشر تحصیل کرده فراهم خواهد ساخت.

لذا با افزایش میزان بیکاری در دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی، مهاجرت نخبگان نیز افزایش خواهد یافت. مطابق با نتایج جداول ۲ و ۳ و طبق نظر هاتن و ویلیامسون (۲۰۰۲) نرخ بیکاری دانش‌آموختگان با تحصیلات دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نخبگان دارد، در حالی که این متغیر تأثیر معناداری بر جریان کل مهاجرت ندارد.

۸. شاخص توسعه انسانی: توسعه مفهومی والاتر از رشد اقتصادی یعنی درآمد سرانه است و کشورهایی که از درآمد سرانه بالاتر برخوردارند در رده کشورهای توسعه یافته تلقی نمی‌شوند. این امر دلالت بر آن دارد که مفهوم توسعه در برگیرنده اجزای دیگری مثل کاهش فقر، توزیع عادلانه درآمد و امثالهم است که در نگاه کلی تر به دنبال دستیابی به اموری است که مدنظر توسعه انسانی است و به بیان دیگر می‌توان توسعه انسانی را مهمترین بعد توسعه دانست (بخشوده، ۱۳۸۵).

بنابراین شاخص توسعه انسانی نماینده خوبی برای توضیح میزان توسعه یافتگی کشورها می‌باشد به طوری که هر اندازه شاخص فوق‌الذکر بزرگتر باشد بیانگر میزان توسعه بیشتر در آن کشور است. نتایج جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه منتخب تأثیر منفی و معناداری بر کل مهاجرت و مهاجرت نخبگان (مطابق با یافته‌های کستلز و لوگن (۲۰۰۲) و مارفک (۲۰۰۷)) دارد، به عبارت دیگر با بهبود توسعه انسانی میزان مهاجرت از کشورهای فوق‌الذکر کاهش می‌یابد.

جدول ۲. نتایج برآورد تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر کل مهاجرت

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	نام متغیر مستقل
*** -۲۸/۷ (-۶/۹)	** -۲۹/۹ (-۴/۵)	*** -۳۲/۷ -۵/۸	*** -۳۰/۷ (-۶/۵)	*** -۳۰/۰ (-۳/۷)	ضریب ثابت
-	-	-	-	** -۱/۴ (-۲/۲)	شاخص آزادی اقتصادی کل
-	-	-	** -۰/۸۵ (-۲/۴)	-	شاخص اندازه دولت
-	-	* -۰/۵۷ (-۱/۷)	-	-	شاخص ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت
-	** -۰/۸۱ (-۲/۲۹)	-	-	-	شاخص آزادی سیاسی
** -۰/۵۲ (-۲/۴۴)	-	-	-	-	شاخص آزادی مدنی
*** ۱/۵۵ (۵/۱۳)	*** ۱/۶ (۳/۴)	*** ۱/۸ (۴/۳)	*** ۱/۷ (۵/۴)	*** ۱/۷ (۳/۱)	انباشت مهاجرت نیروی کار
-۰/۰۴ (-۰/۴۱)	-۰/۱۲ (-۱/۲)	-۰/۱۱ (-۰/۷)	۰/۰۱ (۰/۱۴)	-۰/۰۸ (-۰/۹۳)	نرخ بیکاری با مدرک تحصیلی دانشگاهی
*** -۴/۹۹ (-۳/۸۷)	*** -۵/۸ (-۲/۳)	*** -۵/۵ (-۳/۶)	*** -۵/۴ (-۲/۶)	** -۴/۶ (-۱/۸)	شاخص توسعه انسانی
۶۵	۶۵	۶۴	۶۴	۶۴	قدرت برازش تعدیل یافته
۲۲/۵۷ [۰/۰۰]	۲۲/۰۶ [۰/۰۰]	۲۱/۹۴ [۰/۰۰]	۲۱/۹۵ [۰/۰۰]	۲۱/۹۳ [۰/۰۰]	آماره F [احتمال]
۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	تعداد مشاهدات

توضیح: اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-statistic را نشان می‌دهد.

ضریب برآورد شده که دارای نشانه‌های ***، ** و * هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ مرتبط می‌باشند. مأخذ: همان.

جدول ۳. نتایج برآورد تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر مهاجرت نخبگان

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	نام متغیر مستقل
***-۳۲/۴ (-۸/۰۸)	***-۳۹ (-۸/۱۶)	***-۳۴ (-۶/۳)	***-۲۹/۱ (-۱۲/۵۹)	***-۳۱/۵ (-۱۰/۰۸)	ضریب ثابت
-	-	-	-	** -۰/۷۸ (-۲/۳۱)	شاخص آزادی اقتصادی کل
-	-	-	*** -۰/۴۳ (-۴/۴۱)	-	شاخص اندازه دولت
-	-	** -۰/۱۲ (-۱/۸۳)	-	-	شاخص ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت
-	** -۰/۱۴ (-۱/۹۶)	-	-	-	شاخص آزادی سیاسی
* -۰/۳۶ (-۱/۸۸)					شاخص آزادی مدنی
*** ۲/۱۶ (۵/۹۹)	*** ۲/۸۳ (۶/۵)	*** ۲/۱۶ (۴/۳۸)	*** ۱/۳۹ (۷/۶)	*** ۲/۱۲ (۷/۴)	انباشت مهاجرت نخبگان
** ۰/۲۱ (۲/۱)	** ۰/۲۱ (۲/۴)	*** ۰/۱۷ (۲/۹۵)	** ۰/۱۶ (۲/۰۵)	** ۰/۱۶ (۲/۲۶)	نرخ بیکاری با مدرک تحصیلی دانشگاهی
* -۱/۱ (-۱/۴)	* -۱/۵ (-۱/۶)	*** -۲/۹ (-۲/۹)	** -۱/۸۱ (-۱/۹۶)	*** -۲/۵۱ (-۳/۰۴)	شاخص توسعه انسانی
۸۸	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	قدرت برازش تعدیل یافته
۱۲۰ [۰/۰۰]	۱۳۰/۱ [۰/۰۰]	۱۳۰/۹ [۰/۰۰]	۱۰۲/۹ [۰/۰۰]	۱۳۲/۳۸ [۰/۰۰]	آماره F [احتمال]
۲۷۳	۲۶۰	۲۶۰	۲۲۸	۲۶۰	تعداد مشاهدات

توضیح: اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-statistic را نشان می‌دهد.

ضریب برآورد شده که دارای نشانه‌های ***, **, * و * هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ مرتبط می‌باشند.

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

مهاجرت بین کشورهایی با میزان توسعه‌یافتگی متفاوت، از دیرباز موضوع حیاتی بوده است. نیروی انسانی یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود. لذا با مهاجرت، به شدت قدرت مدیریت و حاکمیت کاهش یافته و امور به نحو مطلوب اداره نخواهند شد. امروزه برای حفظ و نگهداری نیروهای انسانی ماهر، نخبگان و متخصصان در کشورها، نمی‌توان فقط به روش‌های سنتی یا قدیمی و فرسوده تکیه کرد، بلکه حفظ و نگهداری نخبگان نیاز به ایجاد محیطی امن و مناسب دارد. با ایجاد چنین محیطی می‌توان جامعه را به سوی کارایی و پویایی سوق داد.

از جمله عوامل مؤثر در مهاجرت افراد فضای سیاسی و اقتصادی جامعه می‌باشد. وجود محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه عامل دافعه و وجود آزادی‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته از جمله ایالات متحده آمریکا عامل جذب بسیاری از افراد می‌باشد. از این رو در این مطالعه به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و سیاسی بر جریان مهاجرت (به صورت کلی و مهاجرت نخبگان به صورت خاص) به ایالات متحده آمریکا از کشورهای در حال توسعه منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۶ و با روش پانل دیتا پرداخته شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، آزادی اقتصادی و ۲ زیرشاخص اصلی آن تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت به صورت کلی و مهاجرت نخبگان دارد. همچنین عدم آزادی سیاسی و مدنی اثر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد؛ علت این است که بسیاری از کشورهای مورد مطالعه به دلیل وجود محدودیت‌های بسیار، توانایی خروج از کشور را به‌رغم میل باطنی ندارند، از این رو با بهبود شاخص‌های فوق‌الذکر به دلیل کاهش محدودیت برای خروج از کشور میزان مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. همچنین همان‌طور که قبلاً خاطر نشان شد آزادی سیاسی و مدنی بدون بهبود و توسعه نهادهای اقتصادی (نظیر بهبود آزادی اقتصادی) تأثیر مثبتی بر کاهش جریان

مهاجرت نخواهد گذاشت و از آنجا که کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه نیز در این زمینه با مشکلات متعددی مواجه اند تأثیر منفی نبود آزادی سیاسی و مدنی بر مهاجرت قابل توجیه می‌شود.

متغیر نرخ بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی بر جریان مهاجرت تأثیر بی‌معنا و بر جریان مهاجرت نخبگان تأثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین متغیر انباشت مهاجرت نیز تأثیر مثبت و معناداری بر جریان مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد. شاخص توسعه انسانی نیز تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت و مهاجرت نخبگان دارد.

به‌طور کلی طبق نتایج این مطالعه می‌توان چنین استدلال کرد؛ آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی لازم و ملزوم یکدیگرند اما در عملیاتی کردن آن، آزادی اقتصادی به تعبیر روشن‌تر شرط لازم برای آزادی سیاسی و مدنی است و آن را باید مقدمه آزادی سیاسی و مدنی حساب کرد.

بنابراین کشورهای در حال توسعه فوق‌الذکر بایستی با تدوین برنامه‌های همه‌جانبه در جهت ایجاد و ارتقای آزادی‌های سیاسی و اقتصادی زمینه‌های لازم برای رشد و شکوفایی افراد به ویژه نخبگان و متخصصان را فراهم کنند تا از خروج آنها جلوگیری شود. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاداتی به برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان و سیاستگذاران اقتصادی کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه برای کاهش مهاجرت نخبگان و آثار سوء آن صورت می‌گیرد:

- تأکید بر آزادی اقتصادی از طریق کوچک کردن نقش دولت در قانونگذاری، حذف قوانین و مقررات پیچیده و مبهم که در مسیر راه‌اندازی کسب و کار جدید اختلال ایجاد می‌کند، اتخاذ سیاست‌های باثبات ضدفساد اداری، حذف بروکراسی پیچیده اداری، اعمال سیاست‌هایی که منجر به تورم باثبات و پایین و کاهش ضوابط محدودکننده جهت دسترسی به پول‌های خارجی، کاهش تعرفه‌های گمرکی، کنترل محدود سرمایه و گسترش بخش‌های تجاری؛

— تأکید بر آزادی سیاسی و مدنی از طریق افزایش مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها، برگزاری انتخابات آزاد، آزادی بیان، فعالیت گسترده رسانه‌ها و انجمن‌ها در جامعه منجر به نقد و چانه‌زنی سیاست‌های دولت از سوی گروه‌های هم‌سود و غیرهم‌سود موجود در جامعه می‌شود؛

— تدوین و اجرای قوانین مناسب برای حمایت از حقوق پژوهشگران، مخترعان و مبتکران و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی جهت انحراف قیمت نسبی عوامل تولید به نفع محصولات عرضه شده توسط نخبگان؛

— افزایش تعاملات اقتصادی و علمی کشورهای در حال توسعه با یکدیگر و همچنین افزایش این تعاملات با کشورهای توسعه‌یافته به منظور تسهیل انتقال فناوری و استفاده از حق امتیازها، دارایی‌ها و گسترش تحقیق و توسعه.

Archive of SID

منابع و مأخذ

۱. بخشوده، محمد (۱۳۸۵). «روند توسعه انسانی در ایران»، فصلنامه توسعه و بهره‌وری، ش ۲.
۲. جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۱). «تأثیر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
۳. خضری، محمد (۱۳۸۰). «دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش ۱۴.
۴. سامتی، مرتضی، مرضیه و احمد گوگردچیان (۱۳۸۷). «تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD»، پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، ش ۲.
۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل، حمید سپهردوست و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۱). «تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال پنجم، ش ۱.
۶. شاه‌آبادی، ابوالفضل، محمد حسین کریم‌کشته و عبدالله محمودی (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)»، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۳۹.
۷. عسگری، حشمت‌الله، مهدی تقوی، منوچهر عسکری و عباس شاکری (۱۳۸۷). «بررسی علل فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه»، فصلنامه اقتصاد مقدراری، دوره ۵، ش ۲.
۸. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز، نوید.
۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰). «فرار مغزها: چیستی، چرایی و چگونگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش ۴.
۱۰. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. هداوند، سعید (۱۳۸۳). «مهاجرت نخبگان و موانع توسعه علمی ایران»، ماهنامه تدبیر، ش ۱۵۴.
12. Adkins, L., R. Moowaw and A. Sawides (2002). "Institutions, Freedom, and Technical Efficiency", *Southern Economic Journal*, 69.
13. Ashby, N. J. (2007). "Economic Freedom and Migration Flows between U.S. States", *Southern Economic Journal*, 73 (3).
14. ——— (2010). "Freedom and International Migration", *Southern Economic Journal*, 77 (1).

15. Bang, J. T. and M. Mitra, (2011). "Brain Drain and Institutions of Governance: Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998", *Economic Systems*, 35 (3).
16. Beine, M., F. Docquier and M. Schiff (2006). "Brain Drain and its Determinants: A Major Issue for Small States", World Bank, Development Economics, Research Group, Paper 3.
17. Castles, S. and S. Loughna (2002). "Trends in Asylum Migration to Industrialized Countries: 1990-2001", UNU-WIDER Discussion Paper, 2003/31.
18. Cebula, R. J. (2010). "Migration, Economic Freedom, and Personal Freedom: a Preliminary Empirical Analysis", Paper Presented at the Southern Regional Science Association, March, Washington, D.C.
19. Clark, J. R. and D. Pearson (2007). "Economic Freedom, Entrepreneurship, Migration, and Economic Growth", *The Clarion Business and Economic Review*, 6 (2).
20. Constant, A. F. and B. N. Tien (2009). "Brainy Africans to Fortress Europe: for Money or Colonial Vestiges?", German Institute for Economic Research, Discussion Papers.
21. Docquier, F. and H. Rapoport (2003). "Ethnic Discrimination and the Migration of Skilled Labor", *Journal of Development Economics*, 70 (1).
22. Docquier, F. and M. Sekkat (2006). "Brain Drain and Inequality across Nations", Paper to be presented at the CEPR-ESF Explanatory Workshop on "Outsourcing, Migration and the European Economy" (Rome, September 16-17, 2006) and at the EUDN-AFD Conference on "Migration and Development" (Paris, November 8, 2006), IZA DP, No. 2440, Available at: <ftp.iza.org/dp2440.pdf>
23. Eiras, A. (2003). "Ethics, Corruption and Economic Freedom", Published by the Heritage Foundation.
24. Entezarkheir, M. (2005). "Why is Iran Experiencing Migration and Brain Drain to Canada?", *Gospodarskateza*, University of Waterloo.
25. Esposto, A. G. and P. A. Zaleski (1999). "Economic Freedom and the Quality of Life: An Empirical Analysis", *Constitutional Political Economy*, 10.
26. Freedom House (2012). "Freedom in the World", Available at: <http://www.freedomhouse.org>.
27. Friedman, M. (1993). *Capitalism and freedom*, The University of Chicago Press, Chicago.
28. Griliches, Z. (1988). "Productivity Puzzles and R and D: Another no Explanation", *Journal of Economic Perspectives*, No. 2.
29. Grubel, H. G. (1998). "Economic Freedom and Human Welfare: Some Empirical Findings", *Cato Journal*, 18.
30. Gwartney, J., R. Lawson and J. Hall (2011). "Economic Freedom of the World: Annual Report", Fraser Institute.

31. Hatton, T. J. and J.G. Williamson (2002). "What Fundamentals Drive World Migration?", NBER, Working Paper, No. 9159.
32. Human Development Report (2011). "Sustainability and Equity: A Better Future for all", Published for the United Nations Development Programme (UNDP).
33. Kamemera, D., V. Oguledo and B. Davis (2000). "A Gravity Model Analysis of International Migration to North America", *Applied Economics*, 32 (13).
34. Lee, E. S. (1966). "A Theory of Migration", *Demography*, 3 (1).
35. Lewer, J. and H. D. Berg (2008). "A Gravity Model of Immigration", *Economics Letters* 99.
36. Marfouk, A. (2007). "Africa Brain drain: Scope and Determinants", Paper Prepared for the Rectors, Vice-chancellors and Presidents of African Universities Conference 'The African Brain Drain - Managing the Drain: Working with the Diaspora', Tripoli (Libya).
37. Melkumian, A. V. (2004). "A Gravity Model of Legal Migration to the United States", Working Paper.
38. Mitra, A., T. Bang and P. H. V. Wunnava (2011). "Financial Liberalization and the Brain Drain: A Panel Data Analysis", IZA DP, No. 5953.
39. Norton, S. (1998). "Poverty, Property Rights and Human Well-being: A Cross-National Study", *Cato Journal*, 25.
40. U.S. Department of Homeland Security, "Yearbook of Immigration Statistics", Available at: <http://www.dhs.gov>.
41. WDI (2012). "World Development Indicators", Available at: <http://www.worldbank.org>.